

## توضیح بر کتاب <خمینی در فرانسه>

### اثر آقای دکتر هوشنگ نهاوندی

امیر فیض- حقوقدان

جاوید ایران، باتشکر از اینکه بخشی از کتاب خمینی در فرانسه را منتشر کرده اید مطلبی از آن کتاب با واقعیت و اسناد موجود هماهنگ نیست

بنقل از کتاب مزبور آمده است <سالها بود که شاپور بختیار میکوشید با سفارت آمریکا در تهران حسن رابطه برقرار کند>

نوشته مزبور با واقعیت همراه نیست اسناد محرمانه سفارت آمریکا سندی است که حقیقت رابازگو میکند در اسناد سفارت آمریکا که دقیقا و بکرات مورد مطالعه و مستند تحقیق قرار گرفته بختیار بیش از دیگرانی که با سفارت آمریکا در تهران تماس داشته اند در تماس مداوم بوده است و اولین تماس او با سفارت آمریکا در تهران بتاريخ آذرماه سال ۱۳۳۲ یعنی ۲۵ سال قبل از شورش ۱۳۵۷ بوده است.

تماس بختیار با سفارت چه مستقیما و یا بوسیله عبدالرحمن برومند مرتبا ادامه داشته است که موارد آن اسناد آن در جلد ۳۸ و ۲۰ اسناد سفارت منعکس است

بختیار در سال ۳۲ در حالیکه معاون وزارت کار بود در خانه <هویزون> کاردار سفارت آمریکا در ملاقات محرمانه ای درخواست محرمانه نگاهداشتن ملاقات ها و اظهاراتش را داشته است

بختیار پس از خروج از ایران نیز تماس و ارتباط خود را با سازمان اطلاعاتی آمریکا با گرمی بیشتری ادامه داد و حتی تیمسار مخاطب رفیعی از طرف سیا بسمت مامور مخصوص به بختیار معرفی و از بختیار خواسته شد که اقداماتش با اطلاع مخاطب رفیعی باشد (اسناد سفارت جلد ۳۸)

بختیار، در کتاب یکرنگی خودش مدعی شده که <نام عده بسیاری در اسناد آمریکا هست ولی نام من > او نیست ظاهرا آقای نهاوندی از ادعای ناموجه و کذب بختیار کسب موضوع کرده است.

از جاوید ایران درخواست میشود که متن بالا را بهر طریق که مصلحت میداند برای اطلاع عامه و نیز آقای نهاوندی ارسال دارند.

با احترام

\*\*\*\*\*

سالها پیش بدنبال شکایت رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه تلگراف و اسناد رمز رژیم در اختیار دشمنان ایران (منظور آمریکا است) گذاشته می شود کارخانه کریپتو آگه؛ که یک موسسه سویسی است و سالها دستگاه هایی برای تهیه تلگراف و اسناد رمز به ایران می فروخته مطلب مفصلی در تارنمای خود گذاشته بود مبنی بر اینکه تیمسار مخاطب رفیعی که مدتی در ایران مسئول امور رمز و محرمانه وزارت امور خارجه بوده است و سپس در پستی در سفارت ایران در واشنگتن انجام وظیفه میکرده است، بطور مرتب اسناد محرمانه را در اختیار مقامات آمریکایی می گذاشته است. البته امروز تیمسار مخاطب رفیعی در قید حیات نیست ولی از این نمونه خیانت ها در میان بسیاری از کارمندان وزارت خانه های حساس کشور، در جریان بوده است. اگر این عوامل نفوذی (ستون های خیمه و چادر ایران) نبودند هرگز آمریکا و جامعه گوادلوپ نشین وابسته به موسسه اسپن و کلاب روم و دیگر عواملشان موفق به اجرای توطئه بزرگ قرن در سرنگون کردن خیمه و چادر ایران نمی شدند. این ستون ها که جا خالی کردند، مثل قره نی، فردوست؛ مخاطب رفیعی، منوچهر گنجی (معرفی کننده موسسه اسپن)، سرهنگ عقیلی پور، و دیگران، ایران به سرایش سقوط افتاد.